

نحوه صرف وقت زنان روستایی

شهرزاد صالحین*

چکیده: زنان روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که غالباً در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می‌شود. انعکاس نادیده‌انگاری در افزایش نساابری و کاهش بهره‌مندی آنها از منابع و فرصت‌هاست. هدف این بررسی شناخت انواع فعالیت‌های زنان در روستای دونا، از توابع استان مازندران، و ترسیم الگوی صرف وقت به هریک از این فعالیت‌هاست. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی در مدت چهار فصل از سال ۱۳۸۱ صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان مورد مطالعه بیش از دوسوم اوقات بیداری خود را صرف فعالیت‌های تولیدی می‌کنند. این رقم به طور متوسط برابر ۱۰ ساعت و ۲۶ دقیقه در شبانه‌روز است. همچنین این زنان به طور متوسط در شبانه‌روز حدود ۱۷ دقیقه وقت به نظافت، درمان و اوقات فراغت خود اختصاص می‌دهند و آموزش و مطالعه در الگوی صرف وقت آنها جایی ندارد.

واژه‌های کلیدی

اوقات فراغت، زنان، زنان روستایی، فعالیت‌های اجتماعی، نیروی انسانی

مقدمه

دلیل اصلی توجه به موضوع صرف وقت، مسئله «کار پرداخت‌نشده» زنان بوده است (جویس^۱ و استوارت^۲، ۱۹۹۹: ۲۸). کار پرداخت‌نشده فعالیت‌هایی است که زنان (غالباً متأهل)، در قالب تعهدات خانوادگی، با صرف وقت و انرژی قابل توجهی انجام می‌دهند و غالباً در سرشماری‌های عمومی، به خصوص در مباحث مربوط به «سرمایه انسانی» (گاردینر^۳، ۱۹۹۸: ۴)، از دید آمارگران و در نتیجه سیاست‌گذاران پنهان مانده است.

واقعیت انکارناپذیر کشورمان این است که زنان روستایی به طور متوسط بیش از ۴۰ درصد نیروی کار در فعالیت‌های کشاورزی را تأمین می‌کنند، ولی نقش و کار آنان در دیدگاه‌ها و مباحث جامعه‌شناختی روستایی پنهان مانده است؛ و یا در حالی که بخش قابل توجهی از نیروی کار بدون دستمزد را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، در ارائه اطلاعات و توضیحات درباره کارگران بی‌مزد در روستا اشاره‌ای به این نیروها نمی‌شود (خسروی، ۱۳۷۲، به نقل از: شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

بررسی الگوی صرف وقت زنان روستایی از آن رو اهمیت دارد که نشان می‌دهد کار مولد اما پرداخت‌نشده زنان روستایی، در حوزه‌های گوناگونی همچون کار خانگی، کار در خانه و کار در مزرعه، نقش مهمی در افزایش درآمد خانواده و کاهش هزینه‌های تولید و تشکیل سرمایه دارد و، از همه مهم‌تر، بیانگر سهم زنان روستایی در اقتصاد ملی کشور است. بررسی الگوی صرف وقت زنان روستایی همچنین تصویر روشن‌تری از شرایط اجتماعی و فرهنگی روستاهای کشور به دست می‌دهد.

-
1. Joyce
 2. Stewart
 3. Gardiner

هدف این پژوهش بررسی الگوی تخصیص وقت زنان روستای دونا از توابع استان مازندران در چهار فصل سال بوده است و کار زنان روستایی در دو بخش کارهای مولد بازاری (که بخشی از درآمد خانواده را تأمین می‌کند) و کارهای مولد غیربازاری (که در قالب کار خانگی، بازتولید نیروی انسانی خانواده را ممکن می‌سازد) محاسبه و اندازه‌گیری شده است.

مبانی نظری

اقتصاددانان و جامعه‌شناسان طرفدار حقوق زنان هریک از منطری خاص به اهمیت و نقش فعالیت‌های زنان، به خصوص زنان روستایی، در توسعه و نادیده‌انگاری این فعالیت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و دلایل این امر و پیامدهای آن پرداخته‌اند.

از دیدگاه برخی اقتصاددانان طرفدار حقوق زنان، کار همراه با دستمزد تنها یکی از آشکال کار است. در شکل دیگر، کار می‌تواند در خارج از فضای مبادله و برای مصرف شخصی یا مصرف اعضای خانواده انجام شود.

مصادق روشن کار تولیدی برای مصرف، کار پرداخت‌نشده زنان در خانه است. فعالیت‌هایی که به طور عمده شامل ارائه خدمات به کسانی است که بیرون از خانه کار می‌کنند و یا کسانی که به تنهایی توانایی تأمین زندگی خود را ندارند، مانند کودکان، سالمندان و معلولان (گرت^۱، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

از سوی دیگر، «در جامعه روستایی کشور ما، زنان همواره بخشی از فعالیت‌های خارج از فضای خصوصی را بر عهده داشته‌اند و حضور آنها در فرایند تولیدات کشاورزی کاملاً بارز بوده است» (شادی‌طلب، ۱۳۷۵: ۸۳). اقتصاددانانی مانند ادریس جزایری به اهمیت کار مولد زنان روستایی و نادیده‌انگاری نقش آنها در توسعه

1. Garrett

اقتصادی پرداخته‌اند:

فعالیت‌های کشاورزی و خانه‌داری زنان، که اغلب بدون دریافت دستمزد از سوی زنان انجام می‌شود، در اقتصاد خانوار روستایی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، نقش حیاتی دارد. هر اندازه که خانوار فقیرتر باشد، زنان ساعات بیشتری کار می‌کنند و در اقتصاد و رفاه خانوار سهم بیشتری ایفا می‌کنند. اما این سهم در آمارهای رسمی، که بازده کشاورزی و اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند، منظور نمی‌شود. کار غیرتجاری زنان، کمکی به کار تجاری جامعه است؛ اما گویی سهم آنها در تمامی مقاطع (چه در خانه‌داری و چه در تولیدات کشاورزی) به چشم نمی‌آید (جزایری، ۱۳۷۶: ۶).

در قرآن کریم نیز کار خانگی زنان کار مولد شناخته شده و بر پرداخت دستمزد به زنان برای انجام کارهای خانگی و پرداخت نفقه تأکید شده است. آیه‌های ۶ و ۷ سوره طلاق بر لزوم پرداخت دستمزد برای یکی از فعالیت‌هایی که به طور طبیعی از مادران انتظار می‌رود، یعنی شیر دادن به طفل خود، صراحت دارد. به این ترتیب، تلویحاً تأکید شده است که رسیدگی به چنین کارهایی نباید برای زنان «انجام وظیفه» تلقی شود و آنها باید در ازای انجام آنها از توان و استقلال مالی برخوردار شوند.

اما در اغلب جوامع بشری و حتی در جوامع اسلامی، به کار خانگی زنان توجه نشده است. زنان بخش مهمی از وقت و انرژی خود را به کار مولد در فضای خصوصی اختصاص می‌دهند، در حالی که ارزش مادی این فعالیت‌ها اندازه‌گیری و پرداخت نمی‌شود.

انتقادی که مدت‌هاست به محاسبات تولید و درآمد ملی در امریکا می‌شود این است که آنها تنها فعالیت‌های تولیدی را که در بازار اقتصادی عرضه می‌شود به حساب می‌آورند و، در عمل، از فعالیت‌های تولیدی خارج از بازار اقتصادی، به خصوص آنهایی که در خانه انجام می‌شود، غفلت می‌کنند. در سال‌های اخیر، به خصوص بین گروه‌های طرفدار زنان،

توجه روزافزونی به استقرار ارزش مادی بر کار پرداخت نشده اما موگد زنان در منزل دیده می‌شود (جویس و استوارت، ۱۹۹۹: ۳۰).

اعتراضات جامعه‌شناسان و اقتصاددانان طرفدار حقوق زنان به بررسی دلایل و پیامدهای این نادیده‌انگاری و طراحی راهکارهای جلوگیری از آن انجامیده است:

با تلاش‌های گروه‌های طرفدار حقوق زنان، ضرورت استقرار ارزش پولی بر کار غیربازاری زنان در کنفرانس چهارم سازمان ملل در ۱۹۹۵ مورد تأکید قرار گرفت (آرمسترانگ، ۲۰۰۱: ۷).

اختصاص یافتن کار خارج از خانه به مردان، نقش آنها را به عنوان عاملان اصلی کسب درآمد برجسته ساخته است؛ در حالی که زنان، حداقل به اندازه مردان، در تأمین معاش خانواده (به دلیل داشتن مسئولیت‌های پشتیبانی انحصاری) نقش دارند. این امر به خصوص در جامعه روستایی مشهود است، زن روستایی هم در تولید کشاورزی و دامی سهم عمده‌ای دارد و هم نقشی خاص در خانه‌داری ایفا می‌کند. در واقع، زن روستایی همه کارهای مرد روستایی را (با رعایت ملاحظات تقسیم کار) انجام می‌دهد، اما مردان روستایی در انجام همه کارهایی که زنان روستایی انجام می‌دهند مشارکت ندارند.

در جامعه روستایی ایران، زنان در فضای خصوصی به کار اقتصادی می‌پردازند و خارج از منزل و در فضای عمومی نیز حضور فعال دارند. ولی مردان و زنان روستایی میان «خانه» و «محل کار» (واحد بهره‌برداری) تفاوتی قائل نیستند. یعنی کار زنان در واحد بهره‌برداری خانوادگی و اشتغال به صنایع دستی «خانه‌داری» محسوب می‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۷۵: ۸۸).

کار مولد پرداخت نشده زنان روستایی، هم در افزایش درآمد خانواده و هم در کاهش هزینه‌های تولید و تشکیل سرمایه، تأثیری بسزا دارد ولی در محاسبات ملی وارد نشده است.

مشارکت زنان روستایی در توسعه سیاسی و اقتصادی در سه سطح مطرح است: یکم، در سطح اجتماعی و ملی که سهم آنها را در تولید کالاهای تجاری و غیرتجاری مشخص می‌کند. دوم، در سطح خانوار که به تهیه خوراک، پوشاک، سوخت و نگهداری از سالمندان مبادرت می‌ورزند. سوم، در سطح درون‌نسلی که به مراقبت و تأمین نیازهای آموزشی و عاطفی کودکان می‌پردازند (جزایری، ۱۳۷۶: ۵).

اما همان‌طور که تأکید شد، چنین مشارکت وسیعی، در هیچ‌یک از این سه سطح، حتی در سطح نخست، ارزش‌گذاری نشده است. اقتصاددانان طرفدار حقوق زنان بر آن‌اند که فعالیت‌های زنان در عرصه خصوصی نباید با برجسب «خودبسندگی» از حیطة تعریف کار مولد خارج شود، به خصوص که زنان در این عرصه نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه انسانی ایفا می‌کنند. مطالعات فرنگی

در اندیشه نئوکلاسیک، تولیدات خانگی با تولید برای مصرف (در مقابل تولید برای مبادله) عموماً یکسان در نظر گرفته شده است. با این تعریف، خدمات و کالاهای مصرفی که درون خانواده تولید می‌شود در همان محل مصرف می‌گردد. اقتصاددانانی که از فعالیت‌های زنان در عرصه خصوصی برداشت «خودبسندگی» دارند و معتقدند که این فعالیت‌ها حداقل تأثیر را در بازار و اقتصاد کلان دارد، به راحتی این بخش از تولید را نادیده گرفته‌اند. اما اگر بپذیریم که منابع مورد استفاده در بخش بازاری گاه با اقدامات سرمایه‌گذاری در بخش خانگی توسعه می‌یابد، تعامل پویای خانوار و بخش بازاری در اقتصاد برجسته می‌شود (گاردینر، ۱۹۹۸: ۴).

گاردینر در زمینه نقش کار خانگی زنان در شکل‌گیری سرمایه انسانی نکته بسیار

مهمی را مطرح می‌کند. او معتقد است که حضور تکنولوژی در عرصه‌های گوناگون زندگی نه تنها جایگزینی برای چنین نقشی نیست بلکه، در واقع، با کاستن از زمان و انرژی لازم برای سایر فعالیت‌ها، آن را پررنگ‌تر کرده است (گاردینر، ۱۹۹۸: ۷).

جامعه‌شناسان طرفدار حقوق زنان نیز دیدگاه مشابهی در این مورد دارند. الیزابت آرمسترانگ از پژوهش‌های میدانی خود در زمینه جنبه‌های بین‌فردی مشاغل خانگی نتیجه می‌گیرد که کارکردهای آموزشی و عاطفی مشاغل خانگی اهمیت روزافزون یافته است:

خانواده‌ها با کار خدماتی بسیار شخصی‌شده حمایت می‌شوند، فعالیت‌هایی که جایگزینی بخش دولتی یا بازاری برای انجام آنها غیرممکن یا حداقل بسیار پرهزینه است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که کار خانگی، به دلیل تضعیف روابط زن و مرد، دچار تغییر شکلی اجتماعی شده است. این در حالی است که روابط بین زنان و کودکان به شکلی معنی‌دار تضعیف نشده است (آرمسترانگ، ۲۰۰۱: ۷۵).

توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که به اعتقاد فمینیست‌های مارکسیست، با وجود آنکه در آمارها و محاسبات مالی ملی به کار خانگی زنان توجه نشده است، اما به دلیل نقش مؤثری که در حمایت از تولید و بازتولید ایفا می‌کند، در نظام سرمایه‌داری از اهمیت محوری برخوردار است و در صورت از هم پاشیدن خانواده و به تبع آن کار خانگی، نظام سرمایه‌داری متلاشی خواهد شد (سکومب^۱، ۱۹۷۴، به نقل از: ابوت^۲ و والاس^۳، ۱۳۸۰: ۱۸۲).

جامعه‌شناسان طرفدار حقوق زنان نیز نظریاتی درباره دلایل نادیده انگاشته شدن کار خانگی زنان مطرح و به پیامدهای آن توجه کرده‌اند:

-
1. Secombe
 2. Abbott
 3. Wallace

در جامعه روستایی ایران، زنان در فضای خصوصی به کار اقتصادی می‌پردازند و خارج از منزل و در فضای عمومی نیز حضور فعال دارند، ولی مردان و زنان روستایی میان «خانه» و «محل کار» (واحد بهره‌برداری) تفاوتی قائل نیستند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

آنچه موجب شده است تا زنان بیشتر وقت خود را صرف کار خانگی کنند، تقسیم کار سنتی بین زنان و مردان بوده است که عملاً موجب تمرکز زنان بر کار خانگی و سوق دادن مردان به کار خارج از خانه شده است (دیویدوف^۱ و دیگران، ۱۹۷۶، به نقل از: ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

تولید کارخانه‌ای موجبات جدایی خانه از کار را فراهم آورد. در واقع، جدا شدن عرصه عمومی از خصوصی به تمایز هرچه بیشتر کار خانگی از سایر انواع کار دامن زد (گرت، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

ابوت و والاس معتقدند که جدایی عرصه‌های عمومی و خصوصی از یک سو موجب تبعید زنان به خانه و از سوی دیگر موجب افزایش میزان فرودستی آنها شده است (ماتیاسن^۲، ۱۹۷۴، به نقل از: ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۷۸). اوکلی^۳ نیز معتقد است که خودداری از پذیرش خانه‌داری به منزله کار موجب پایین آمدن منزلت زنان شده است (اوکلی، ۱۹۸۲، به نقل از: ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۶۸).

به عقیده جزایری، آنچه موجب می‌شود تا کار زنان روستایی نادیده گرفته شود برخی مشکلات روش‌شناختی اقتصاد ملی در سطح کلان است:

مشکلات روش‌شناختی خاصی که کار زنان روستایی را حاشیه‌ای می‌کند عبارت است از: جمع‌آوری اطلاعات در کوتاه‌مدت و دوره‌هایی از قبل تعیین شده که کار فصلی زنان را به

-
1. Davidoff
 2. Matthiason
 3. Oakley

حساب نمی‌آورد؛ تعریف متعصبانه و محدود از بهره‌وری اقتصادی زنان؛ تفکیک دلخواه بین تولید قابل‌عرضه در بازار و تولیدات خانگی که منجر به کنار گذاشتن فعالیت‌های زنان می‌شود و باعث ایجاد مفاهیم متفاوت از کار مردان و زنان می‌گردد (جزایری، ۱۳۷۶: ۸).

به این ترتیب، نظریه‌های فمینیستی به درک ما از بازسازی تعریف مفهوم کار در سطح جهان کمک می‌کند و پرسش‌ها و تردیدهایی را در زمینه تفکیک کار پرداخت‌نشده از پرداخت‌شده، تولید بازاری از تولید معیشتی و کار تولیدی از بازتولیدی مطرح می‌سازد.

روش

در این پژوهش، به کمک مطالعه موردی با روش کیفی، الگوی صرف وقت زنان روستای دونا در چهار فصل سال بررسی شده است. برای مطالعه الگوی صرف وقت این زنان، از مقوله‌بندی^۱ جویس و استوارت، اقتصاددانان امریکایی، استفاده شده است. براساس این مقوله‌بندی، همه فعالیت‌های افراد به دو نوع مولد و غیرمولد تقسیم می‌شود. معیار تشخیص فعالیت مولد از غیرمولد «معیار سوم شخص»^۲ نامیده می‌شود. بر مبنای این معیار، هر کاری که بتوان آن را به دیگری سپرد و همان نتایج را انتظار داشت فعالیت مولد است و در غیر این صورت، آن کار فعالیتی غیرمولد خواهد بود. برای نمونه، با این معیار، پختن غذا کاری مولد اما خوردن آن کاری غیرمولد است (جویس و استوارت، ۱۹۹۹: ۳۳).

فعالیت‌های مولد، برحسب اینکه کالاها و خدمات تولیدی آنها در خانواده مصرف شود یا به اشکال گوناگون مبادله شود و سایر نیازهای خانواده را تأمین کند، به دو گروه بازاری و غیربازاری تقسیم می‌شود. فعالیت‌های غیرمولد نیز برحسب اینکه انجام آنها

1. categorization

2. third person criterion

برای سلامت فرد جنبه حیاتی داشته باشد یا آزادانه (با توجه به موقعیت و امکانات فرد) انتخاب و انجام شود، به دو گروه امور شخصی و اوقات فراغت قابل تقسیم است. بدین ترتیب، ریز فعالیت‌های افراد مورد مطالعه در دو نوع و چهار گروه گوناگون به ترتیب جدول ۱ دسته‌بندی شده است.

جدول ۱. میانگین و نسبت وقت اختصاص یافته به ریز فعالیت‌های روزانه در کل سال

نوع فعالیت‌ها	گروه فعالیت‌ها	ریز فعالیت‌ها	میانگین (دقیقه)	نسبت (درصد)
فعالیت‌های مولد	مولد بازاری	زراعت و باغداری	۱۱۶/۷	۸/۲
		دامداری	۳۹/۱	۲/۸
		فرآوری محصولات زراعی و باغی	۷/۵	۰/۵
		فرآوری محصولات دامی	۵۸/۳	۴/۱
		فعالیت‌های خدماتی	۴۴/۶	۳/۲
	مولد غیربازاری	جمع	۲۶۶/۲	۱۸/۸
		تهیه خوراک	۱۶۷/۹	۱۱/۷
		نظافت منزل	۱۱۶/۶	۸/۲
		رسیدگی به پوشاک	۴۱/۳	۲/۹
		رسیدگی به کودکان	۱۴/۴	۱/۱
فعالیت‌های غیرمولد	اوقات فراغت	کارهای متفرقه منزل	۱۹/۴	۱/۳
		جمع	۳۵۹/۶	۲۵/۲
		تماشای تلویزیون	۵۹/۵	۴/۱
		نماز	۵۶/۹	۳/۹
		مناسک دینی	۵۱/۴	۳/۵
		مناسبات اجتماعی	۴۴/۶	۳/۱
		مطالعه	۷/۲	۰/۵
	امور شخصی	مسافرت و تفریح	۵/۸	۰/۴
		جمع	۲۲۵/۴	۱۵/۵
		غذا خوردن	۹۷/۹	۶/۸
		نظافت و درمان	۱۱/۵	۰/۸
		خواب	۴۶۶/۵	۳۲/۴
		جمع	۵۷۵/۹	۴۰

افراد مورد مطالعه ۱۰ نفر از زنان روستا بودند که با شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ انتخاب شدند. این انتخاب براساس مطالعات اکتشافی اولیه و شناخت انواع فعالیت‌های زنان و نحوه گذران زندگی آنان صورت گرفت تا فعالیت‌های گوناگون زنان روستا تا حد امکان زیر پوشش قرار گیرد. در این بررسی، از ترکیبی از روش‌های پرسش‌نامه یادداشت روزانه^۲، مشاهده^۳، مشارکت ناظر^۴ و بحث‌های گروهی^۵ با ساختار انعطاف‌پذیر استفاده شده است.

همه بررسی‌های صرف وقت، به دلیل ماهیت موضوع (که با میزان تخصیص وقت افراد به فعالیت‌های گوناگون سر و کار دارد)، با گردآوری شواهد کمی آغاز می‌شود. به همین دلیل، معمولاً از روش‌هایی مانند «سنجش سریع به وسیله چک لیست»^۶، «پرسش‌نامه یادداشت روزانه» یا «یادآوری ۲۴ ساعته»^۷ برای جمع‌آوری اطلاعات لازم استفاده می‌شود. یافته‌های کمی، در حقیقت، استخوان‌بندی (جسم) مطالعه صرف وقت را تشکیل می‌دهد، اما آنچه به قالب این جسم روح می‌دمد شواهد کیفی است که باید به کمک روش‌های خاص پژوهش کیفی جمع‌آوری شود. در بررسی صرف وقت صرفاً نمی‌توان به یافته‌های کمی اکتفا کرد زیرا:

۱. همواره نمی‌توان مطمئن بود که هدف فرد مورد مطالعه از انجام یک فعالیت خاص با برداشتی که پرسشگر از انجام همان فعالیت دارد یکسان است. حتی گاهی توضیح خود فرد در مورد کاری که انجام می‌دهد با واقعیت تفاوت دارد. برای نمونه، در این پژوهش، میزان وقتی که افراد مورد مطالعه در مراسمی در مسجد روستا صرف کرده بودند اندازه‌گیری شد. پرسشگر این مقدار زمان را با عنوان «شرکت در مناسک

-
1. theoretical sampling
 2. diary questionnaire method
 3. observation
 4. participant observer
 5. focus groups
 6. rapid appraisal by checklist
 7. 24 hour recall

مذهبی» ثبت کرده بود، اما وقتی پژوهشگر در کنار آنها در مراسم حضور یافت مشاهده کرد بعضی افراد مورد مطالعه در اصل مشغول انجام فعالیت دیگری هستند. به این معنا که آنها در واقع از این فرصت برای برقراری مناسبات اجتماعی با زنان دیگر استفاده می‌کردند. در حالی که حتی اگر از خود آنها پرسش کنیم که مشغول چه کاری هستند، احتمالاً واقعیتی را که پژوهشگر به وضوح مشاهده کرده است عنوان نخواهند کرد. به همین دلیل تنها در صورتی می‌توان به اعتبار یافته‌های بررسی صرف وقت اطمینان داشت که به کمک روش‌های پژوهش کیفی، لایه‌های سطحی و ظاهری فعالیت‌های افراد مورد مطالعه را کنار زد و به عمق واقعیت دست یافت. در نتایج این بررسی، نمونه‌های متعددی از چنین مواردی آمده است.

۲. «فعالیت‌های همزمان»^۱ نیز در بررسی چگونگی صرف وقت افراد ابهام ایجاد می‌کند زیرا تصمیم‌گیری در مورد اینکه وقت صرف‌شده‌ای که به طور همزمان به دو یا چند کار اختصاص یافته است باید در مجموعه کدام یک از این فعالیت‌ها ثبت شود، تا حدودی به صورت دلخواه انجام می‌شود. برای نمونه، وقتی زنی همزمان با شیر دادن به کودک خود قالی می‌بافد، در واقع، به طور همزمان به دو کار تولیدی، یکی غیربازاری (نگهداری از کودک) و دیگری بازاری (تولید صنایع دستی) مشغول است. در چنین مواردی، تنها با مشاهده مستقیم و تعمق در موضوع می‌توان دریافت که کدام یک از این دو فعالیت، از دید فرد مورد مطالعه، اصلی است و کدام یک جنبه فرعی دارد. به عبارت دیگر، او احتمالاً کدام یک از این دو فعالیت را، در صورتی که مانع انجام دیگری شود، رها خواهد کرد.

در این بررسی، به دلایل ذکرشده، شواهد کمی مورد نیاز، که به وسیله ۵۲۰ پرسش‌نامه و یادداشت روزانه، در ۴ فصل و ۱۳ روز از هر فصل برای هریک از افراد مورد مطالعه جمع‌آوری شده بود، زیربنای مطالعه قرار گرفت و از شواهد کیفی، که به

1. simultaneous activities

کمک مشاهده، مشارکت ناظر و بحث‌های گروهی با ساختار انعطاف‌پذیر جمع‌آوری شده بود، برای تکمیل و تصحیح و تحلیل شواهد کمی استفاده شد.

در استفاده از روش بحث‌های گروهی با ساختار انعطاف‌پذیر، این حقیقت مد نظر بود که معمولاً در مصاحبه‌های انفرادی، گروه‌های در حاشیه قرار گرفته، به خصوص زنان و روستاییان، بیش از سایرین تمایل پیدا می‌کنند تا درباره موضوعاتی صحبت کنند که مورد توجه پژوهشگر است و درباره مسائل خصوصی مورد نظر خود اغلب سکوت می‌کنند (ماینارد^۱ و پورویس^۲، ۱۹۹۴، به نقل از: دنزین^۳ و لینکلن^۴، ۱۳۸۰: ۲۰۵). از آنجا که پژوهشگر در پژوهش‌های کیفی قصد دارد به ژرفای اندیشه افراد نفوذ کند، باید با استفاده از روش‌هایی، تأثیر خود را در محیط پژوهش تا حد ممکن کاهش دهد. در بحث‌های گروهی، تعامل در گروه اعتماد به نفس و بی‌پرده‌گویی افراد را افزایش می‌دهد. در ضمن این روش با تجارب روزمره زنان در اغلب نقاط دنیا، از جمله ایران، سازگار است. گفت‌وگوی گروهی در دوره‌های زنانه، مجالس مذهبی و در کوچه (در محلات سنتی) درباره زندگی روزمره و مشکلات و مسائل آن همواره بین زنان ایرانی مرسوم بوده است. آنها در این گردهمایی‌ها، علاوه بر تبادل نظر و انتقال تجارب، با جلب همدردی یکدیگر، تحمل شرایط را برای خود آسان‌تر می‌کنند. بنابراین، در بحث‌های گروهی پژوهش حاضر سعی شده است که افراد مورد مطالعه تشویق و هدایت شوند تا در جمع و در تعامل با یکدیگر، درباره هریک از فعالیت‌های خود اظهار نظر کنند.

از آنجا که در این بررسی از روش پژوهش کیفی استفاده شده، در تمام مراحل (حتی در گردآوری شواهد کمی) اصول این روش مد نظر بوده است. این اصول

-
1. Maynard
 2. Purvis
 3. Denzin
 4. Lincoln

عبارت‌اند از:

۱. کاربرد مشاهده نزدیک و مبسوط دنیای طبیعی به وسیله پژوهشگر؛
۲. تلاش برای اجتناب از تقید پیشین به هر نوع مدل نظری (ون‌مان^۱ و دیگران، ۱۹۸۲، به نقل از: یین^۲، ۱۳۷۸: ۲۵).

به این ترتیب، هرگونه دستکاری و دخالت در زندگی طبیعی افراد مورد مطالعه تهدیدی جدی برای اعتبار یافته‌های پژوهش تلقی می‌شد. این موضوع به خصوص هنگام انتخاب پرسشگرها اهمیت بسیاری می‌یافت. پرسشگرها باید در روزهای تعیین شده، در طول مدت بیداری افراد مورد مطالعه، برای ثبت فعالیت‌های آنها در کنارشان حضور می‌یافتند و باید از میان کسانی انتخاب می‌شدند که حضورشان، تا حد ممکن، موجب برهم خوردن شرایط عادی زندگی افراد مورد مطالعه نمی‌شد. به احتمال زیاد، در صورتی که پرسشگرها از بین اعضای خانواده آنها انتخاب می‌شدند، محیط طبیعی پژوهش به نحو مطلوبی حفظ می‌شد. این مسئله به قدری در حفظ اعتبار نتایج پژوهش اهمیت داشت که وقتی فرد مناسبی برای ثبت فعالیت‌ها در خانواده یکی از نمونه‌های انتخابی پیدا نمی‌شد، باید آن نمونه انتخابی تغییر می‌کرد.

یافته‌ها

روستای دونا در دامنه‌های شمالی البرز مرکزی و در فاصله ۷۵ کیلومتری شهر کرج و ۹۵ کیلومتری شهر چالوس قرار دارد. این روستا از توابع دهستان اوزرود و از بخش بلده شهرستان نور است و اهالی آن غالباً کشاورز هستند. زراعت، به خصوص گلکاری، شغل اصلی و دامداری شغل دوم بیشتر این مردم است. جمعیت روستا در حدود ۲۳۸ نفر است که در قالب ۵۵ خانوار زندگی می‌کنند. آب و هوای سرد کوهستانی، با حدود

1. Van Maane

2. Yin

۷۱ روز یخبندان در سال، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی این روستا را تحت تأثیر قرار داده است.

شواهد کمی حاصل از پرسش‌نامه‌های یادداشت روزانه، در دو سطح انواع و گروه فعالیت‌ها در طول سال و سپس به تفکیک فصول دسته‌بندی شده است. شواهد کیفی، که به کمک روش‌های مشاهده و مشارکت ناظر و همچنین از راه گفت‌وگوهای گروهی جمع‌آوری شد، در زمینه ریز فعالیت‌های افراد مورد مطالعه اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری به دست می‌دهد. این یافته‌ها مبنای تکمیل و تصحیح و تحلیل یافته‌های کمی قرار گرفته است.

۱. الگوی تخصیص وقت به انواع فعالیت‌ها

در این بررسی، همه فعالیت‌هایی که موجب تولید کالا و خدمات می‌شوند کار مولد، فعالیت‌های دیگر غیرمولد و همچنین «معیار سوم شخص» ملاک تشخیص کار مولد از کار غیرمولد در نظر گرفته شده است.

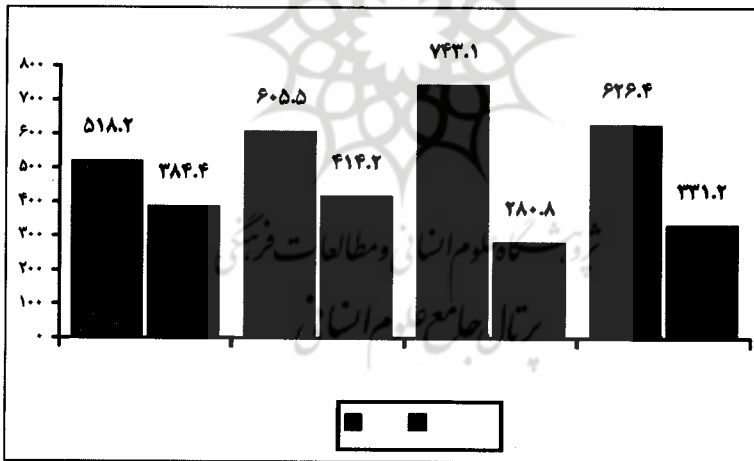
۱-۱. کارهای مولد

فعالیت‌های مولد کارهایی است که می‌توان آنها را به دیگری سپرد و همان نتایجی را انتظار داشت که اگر خود ما آن کارها را انجام می‌دادیم حاصل می‌شد. فعالیت‌های مولد زنان در روستای مورد مطالعه عمدتاً کارهایی چون خانه‌داری، کار در مزرعه، دامداری، فرآوری دامی و زراعی و برخی مشاغل خدماتی است.

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت زنان در این روستا بسیار پرکارند. دختران پس از اتمام تحصیل در دوره راهنمایی و از حدود ۱۵ سالگی به طور جدی وارد فعالیت‌های مولد می‌شوند و تا سنین کهنسالی حضور چشمگیر خود را در صحنه فعالیت‌های اقتصادی روستا حفظ می‌کنند. طبق یافته‌های پژوهش، دوسوم اوقات بیداری افراد مورد مطالعه صرف فعالیت‌های مولد می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش، زنان روستای دونا در طول سال به طور متوسط حدود ۱۰ ساعت و ۴ دقیقه در شبانه‌روز، یعنی ۶۵ درصد اوقات بیداری خود را صرف کار موگد می‌کنند. میزان فعالیت‌های موگد در فصول گوناگون سال بسیار متفاوت است و در فصل تابستان، با میانگین ۱۲ ساعت و ۲۳ دقیقه در شبانه‌روز، یعنی ۷۲/۶ درصد اوقات بیداری زنان به اوج خود می‌رسد. این فعالیت‌ها در فصل زمستان، که فعالیت‌های زراعی راکد می‌شود، به میانگین ۸ ساعت و ۳۸ دقیقه در شبانه‌روز، یعنی ۵۷/۴ درصد اوقات بیداری زنان کاهش می‌یابد.

نمودار ۱. میانگین شبانه‌روزی دقایق اختصاص یافته به انواع فعالیت‌ها (غیر از خواب) برحسب فصل



۲-۱. فعالیت‌های غیرموگد

فعالیت‌های غیرموگد شامل کارهایی است که نمی‌توان آنها را به دیگری سپرد و همان نتایج را انتظار داشت. فعالیت‌های غیرموگد زنان مورد مطالعه تماشای تلویزیون، برقراری مناسبات اجتماعی، شرکت در مناسک مذهبی، خواندن نماز، خوردن غذا، نظافت شخصی و درمان بیماری در نظر گرفته شده است. چنین فعالیت‌هایی در طول

سال به طور متوسط حدود ۵ ساعت و ۳۵ دقیقه در شبانه روز، یعنی ۳۵ درصد از اوقات بیداری زنان مورد مطالعه را اشغال می‌کند. این رقم در فصل پاییز به بیشترین حد خود، حدود ۷ ساعت در شبانه روز، یعنی ۴۰/۶ درصد اوقات بیداری آنها می‌رسد؛ و در فصل تابستان، به دلیل سنگینی کارهای زراعی، به حدود ۴ ساعت و ۴۱ دقیقه در شبانه روز، یعنی ۲۷/۴ درصد اوقات بیداری افراد مورد مطالعه کاهش می‌یابد.

۲. الگوی تخصیص وقت به گروه‌های فعالیت‌ها

در گروه‌بندی انواع فعالیت‌ها، کارهای مولد برحسب اینکه کالاها و خدمات تولیدشده به صورت‌های گوناگون مبادله شود و سایر نیازهای خانواده را تأمین کند یا در خانواده به مصرف برسد، به دو گروه بازاری و غیربازاری تقسیم شده است. از سوی دیگر، فعالیت‌های غیرمولد هم برحسب اینکه برای ادامه حیات و حفظ سلامت فرد ضروری باشد یا به اختیار او انتخاب شود، به دو گروه امور شخصی و اوقات فراغت تفکیک شده است. جدول ۲ الگوی صرف وقت زنان روستای دونا را در طول سال و در چهار گروه نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین و نسبت وقت اختصاص یافته به گروه فعالیت‌های روزانه در کل سال در بیداری

نسبت (درصد)	میانگین (دقیقه)	گروه فعالیت‌ها
۳۷/۴	۳۵۹/۶	مولد غیربازاری
۲۷/۷	۲۶۶/۲	مولد بازاری
۲۳/۵	۲۲۵/۴	اوقات فراغت
۱۱/۴	۱۰۹/۴	امور شخصی

۲-۱. فعالیت‌های مولد غیربازاری

براساس یافته‌های پژوهش، کارهای مولد غیربازاری، که عمدتاً شامل رسیدگی به

کودکان، تهیه خوراک و پوشاک و نظافت منزل می‌شود، با اشغال ۶ ساعت در شبانه‌روز (۳۷/۴ درصد اوقات بیداری)، مهم‌ترین گروه فعالیت‌های این زنان را تشکیل می‌دهد. چنین فعالیت‌هایی در فصل زمستان به اوج خود (۴۳/۲ درصد اوقات بیداری) و در فصل تابستان به کمترین حد خود (۳۱ درصد اوقات بیداری) می‌رسد.

۲-۲. فعالیت‌های مولد بازاری

فعالیت‌های مولد بازاری از نظر میزان تخصیص وقت در رتبه دوم قرار دارد. این گروه از فعالیت‌ها، که شامل زراعت، دامداری، فرآوری دامی و زراعی و همچنین برخی مشاغل خدماتی می‌شود، در طول سال میانگین حدود ۴ ساعت و ۲۵ دقیقه (۲۷/۷ درصد) اوقات بیداری زنان روستای دونا را به خود اختصاص می‌دهد. این رقم در فصول گوناگون تفاوت چشمگیری می‌کند و در فصل تابستان به بیشترین مقدار (حدود ۴۱/۶ درصد) و در فصل زمستان به کمترین مقدار (۱۴/۲ درصد) می‌رسد.

۲-۳. اوقات فراغت

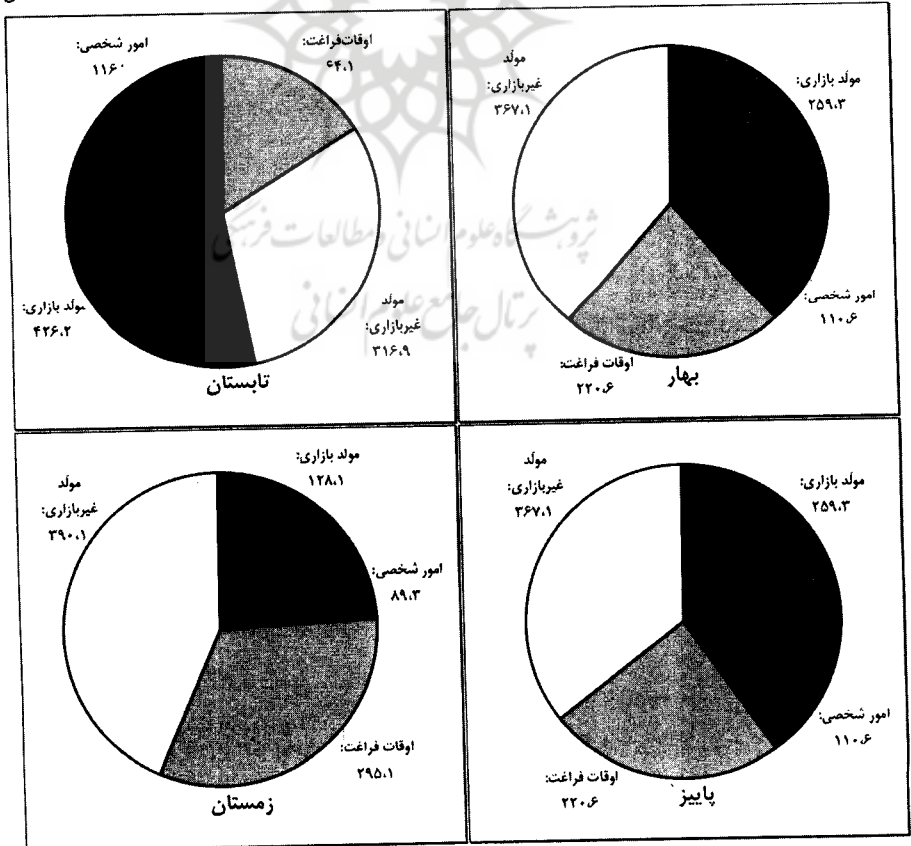
اوقات فراغت زنان مورد مطالعه در روستای دونا، به ترتیب بیشترین میزان تخصیص وقت، به تماشای تلویزیون، خواندن نماز، شرکت در مناسک دینی، برقراری مناسبات اجتماعی، مطالعه، مسافرت و سایر تفریحات اختصاص می‌یابد و در طول سال به طور متوسط حدود ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه (۲۳/۵ درصد) از اوقات بیداری زنان را اشغال می‌کند. این گروه از فعالیت‌ها در فصل زمستان به بیشترین میزان خود یعنی ۳۲/۷ درصد می‌رسد و در فصل تابستان به ۱۶ درصد از زمان بیداری زنان کاهش می‌یابد.

۲-۴. امور شخصی

در این بررسی، وقت اختصاص یافته به خواب، به این دلیل که «خوابیدن» بیشتر ناظر بر مفهوم رفتار است تا فعالیت، به عنوان یک مقوله مستقل، از امور شخصی جدا شد و هر جا لازم بود بر ساعات بیداری افراد تأکید شود، حذف گردید.

کمترین مقدار تخصیص وقت، در میان گروه‌های فعالیت‌ها، به رسیدگی به امور شخصی اختصاص دارد که شامل وقت صرف‌شده برای غذا خوردن، نظافت شخصی و درمان بیماری‌های فرد می‌شود. زنان روستای دونا در طول سال به طور متوسط حدود ۱ ساعت و ۵۰ دقیقه (۱۱/۴ درصد) اوقات بیداری خود را به این فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند. زنان مورد مطالعه در فصل پاییز اوقات بیشتری را صرف این گونه فعالیت‌ها می‌کنند (۱۶ درصد) و در فصل زمستان که سرما شدید می‌شود، این گونه فعالیت‌ها به کمترین میزان خود در مقایسه با سایر فصول می‌رسد (حدود ۱۰ درصد).

نمودار ۲. میانگین شبانه‌روزی دقایق اختصاص‌یافته به گروه‌های فعالیت‌ها (غیر از خواب) در ۴ فصل



۳. چگونگی صرف وقت در انواع فعالیت‌ها

زراعت و باغداری: زنان روستای دونا بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف کار در باغ و مزرعه می‌کنند به طوری که در طول سال حدود ۲ ساعت (۸/۲ درصد) از وقت آنان در روز به انجام کارهای زراعی سپری می‌شود. این رقم در فصل تابستان به ۴ ساعت و ۱۰ دقیقه افزایش می‌یابد و در فصل زمستان، با شروع سرمای شدید و یخبندان، فعالیت‌های زراعی را کم می‌شود.

تقسیم کار جنسیتی در فعالیت‌های زراعی روستا مشهود است به طوری که کارهای آماده‌سازی زمین، آبیاری و حمل محصول معمولاً به عهده مردان و کاشت، وجین و برداشت عمدتاً به عهده زنان است. بقیه کارها با توجه به نوع محصول ممکن است بر عهده هریک از دو جنس قرار گیرد. در گفت‌وگوهای گروهی، زنان روستا در پاسخ به این پرسش که «چرا بعضی از مراحل کارهای زراعی را زنان انجام می‌دهند؟» اظهار می‌کردند که «بعضی کارها را مردها بهتر انجام می‌دهند و بعضی کارها را زنان. مثلاً وجین کردن حوصله می‌خواهد که مردها ندارند، ولی آبیاری کار مهمی است و مردها می‌دانند محصول چطور و چه وقت باید آب بخورد که خراب نشود یا شخم زدن قدرت می‌خواهد و ما زود خسته می‌شویم پس مردها آن را انجام می‌دهند. برعکس، گل زدن دقت لازم دارد که مردها آن دقت را ندارند و گل‌ها را خراب می‌کنند.» از این گفت‌وگوها می‌توان نتیجه گرفت که زنان روستا تقسیم کار جنسیتی در زراعت را منطقی و قابل قبول می‌دانند.

دامداری: رسیدگی به خوراک دام‌ها، تمیز کردن طویله و جمع‌آوری فضولات دام‌ها برای سوخت زمستانی و رسیدگی به دام‌های خانگی کارهایی است که زنان روستای دونا در زمینه دامن‌داری انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها حدود ۳۹ دقیقه در روز (۲/۸ درصد) از وقت زنان را پر می‌کند و این میزان در فصول گوناگون سال متفاوت است. برای نمونه، در فصل تابستان به اوج خود، یعنی ۶۸ دقیقه در روز می‌رسد و در

فصل زمستان به ۱۰ دقیقه در روز کاهش می‌یابد. البته زنان در تمام فصول سال در کارهای دامداری به همسران خود کمک می‌کنند. عبارت «کمک کردن» به نقل از زنان و مردان روستا درباره کار دامداری زنان به کار رفته است و به این حقیقت اشاره دارد که دامداری فعالیتی مردانه تلقی می‌شود و زنان، به ضرورت و در شرایطی که مرد خانه نیاز به کمک دارد، در آن مشارکت می‌کنند.

در طول انجام این بررسی، شاید تنها موردی که در آن یافته‌های کمی به رفع نقص یافته‌های کیفی کمک کرد مسئله مشارکت زنان در فعالیت‌های دامداری بود. اغلب زنانی که در بحث‌های گروهی شرکت می‌کردند در پاسخ به این پرسش که «شما چگونه در کار دامداری به همسران خود کمک می‌کنید؟» به صراحت می‌گفتند: «ما در طویله کار نمی‌کنیم. کار طویله مال مردهاست. چه بشود که آنها نباشند تا ما علفی برای گاوها خرد کنیم یا آبی برایشان بگذاریم!» در حالی که اطلاعات پرسش‌نامه‌ها نشان می‌داد در این روستا کارهای متنوعی در زمینه دامداری به عهده زنان است. علاوه بر این، در فصل زمستان، خرد کردن علف برای دام‌ها و دادن غذا و آب به آنها را غالباً زنان انجام می‌دهند و همچنین گاهی در کار شیردوشی نیز مشارکت می‌کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا آنها زحمات خود را در کارهای دشواری مانند نظافت طویله و غذا دادن به دام‌ها نادیده می‌گیرند. در پاسخ شاید بتوان گفت زنان شرکت‌کننده در گفت‌وگوهای گروهی سعی می‌کردند با تصویری که از نظام ارزشی زن شهری داشتند به پرسش‌های پژوهشگر پاسخ دهند و پاسخ‌های آنها به این ترتیب توجیه می‌شود که احتمالاً گمان می‌کردند اگر بگویند فضولات دام‌ها را جمع می‌کنند یا برای دام‌ها علف خرد می‌کنند، ممکن است به دیده حقارت به آنها نگریسته شود.

فرآوری محصولات زراعی و باغی: بعضی از محصولات زراعی باید پس از

برداشت به مواد غذایی قابل نگهداری تبدیل شوند تا برای خوراک خانواده در فصول گوناگون مصرف شوند یا به فروش برسند. تهیه انواع رب، مربا، ترشی، سبزی و میوه

خشک از نمونه‌های رایج فرآوری محصولات زراعی و باغی است.

زنان روستای دونا به طور میانگین حدود ۷/۵ دقیقه در شبانه‌روز (۰/۵ درصد) را صرف این فعالیت‌ها می‌کنند. البته در فصل زمستان، با پایان یافتن فصل زراعت، زنان وقت بیشتری برای تولید این محصولات صرف می‌کنند. مشاهده فعالیت‌های روزمره زندگی زنان این روستا نشان می‌دهد که آنها مجذبه برای استفاده کامل از محصولات زراعی روستای خود تلاش می‌کنند و تمام توان خود را به کار می‌گیرند تا از هر ماده غذایی که اضافی به نظر می‌رسد، محصولی قابل مصرف برای خوراک خانواده، فروش یا حداقل خوراک دام‌ها و طیور خود تهیه کنند. استفاده از پوست کدو و بادمجان در تهیه انواع ترشی‌جات از نمونه‌های این تلاش است.

فرآوری محصولات دامی: تهیه فرآورده‌های دامی در این روستا اصولاً کاری زنانه محسوب می‌شود. برای نمونه، وقتی مرد شیر دام‌ها را می‌دوشد، سطل شیر فوراً به زن خانه تحویل داده می‌شود تا از آن مواد لبنی تهیه کند. یا وقتی مردان پشم گوسفندان را می‌چینند، زنان این پشم‌ها را در کیسه‌ای نگاهداری می‌کنند تا در فرصت مناسب از آنها برای تهیه لباس زمستانی یا رختخواب استفاده کنند. چنین کارهایی در طول سال به طور متوسط ۵۸ دقیقه (۴/۱ درصد) از وقت زنان را در شبانه‌روز پر می‌کند.

فعالیت‌های خدماتی: دو نفر از زنان در جامعه مورد بررسی در فعالیت‌های خدماتی مشارکت داشتند. یکی از آنها در مغازه لبنیاتی فروشندگی می‌کرد و دیگری کارمند مخابرات روستا بود. مشاهده فعالیت‌های خدماتی این دو نفر نشان داد:

۱. در فصول گوناگون سال، تفاوت چندانی در میزان تخصیص وقت آنها به این فعالیت‌ها وجود ندارد. البته زن فروشنده در تابستان که طول روز بیشتر است و به خصوص حضور میهمانان تابستانی در روستا فروش او را رونق می‌دهد، مدت بیشتری در محل کسب خود می‌ماند.
۲. محل کار زن فروشنده و زن کارمند به نوعی محل تجمع سایر زنان روستا

برای برقراری مناسبات اجتماعی است. آنها در محل کارشان، ضمن انجام کارهای عادی خود، مناسبات مشتریان خود را نیز از طریق دادن اطلاعات یا حل اختلاف بین آنها کنترل می‌کردند.

۳. زنانی که در این روستا به مشاغل خدماتی اشتغال دارند، بیش از سایر زنان از استقلال مالی برخوردارند. به عبارت دیگر، «کار کردن» آنها بیشتر به رسمیت شناخته شده است.

تهیه خوراک: زنان علاوه بر فعالیت‌های زراعی در زمینه کاشت مواد غذایی مورد نیاز خانواده و فعالیت‌های فرآوری برای تبدیل محصولات غذایی، وقت قابل توجهی را صرف خرید مواد اولیه و تهیه غذای خانواده می‌کنند. در میان فعالیت‌های گوناگون خانگی، تهیه خوراک بیش از سایر فعالیت‌ها وقت زنان این روستا را به خود اختصاص می‌دهد. مجموعه این فعالیت‌ها به طور میانگین در طول سال حدود ۲ ساعت و ۴۸ دقیقه (۱۱/۷ درصد) از شبانه‌روز آنها را اشغال می‌کند. زنان مورد مطالعه در فصل تابستان وقت بیشتری را به تهیه غذای خانواده اختصاص می‌دهند. آنها بسیاری از مواد غذایی را در منزل تهیه می‌کنند که مهم‌ترین آنها نان مصرفی خانوار است.

نظافت منزل: پس از تهیه خوراک، در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، زنان وقت بیشتری به نظافت منزل اختصاص می‌دهند. آنها در طول سال به طور میانگین حدود ۲ ساعت (۸/۲ درصد) از شبانه‌روز خود را به تمیز کردن منزل و وسایل آن اختصاص می‌دهند.

رسیدگی به پوشاک: این فعالیت شامل دوختن، بافتن، شستن، تعمیر کردن و مرتب کردن لباس‌های اعضای خانواده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انجام این فعالیت در فصول گوناگون با اندک تفاوتی حدود ۴۱ دقیقه (۳ درصد) از وقت زنان مورد مطالعه را در شبانه‌روز اشغال می‌کند. در بحث‌های گروهی، زنان روستا گفته‌اند که پس از برق‌کشی روستا در سال ۱۳۷۲، انجام برخی فعالیت‌های مربوط به

امور منزل تسهیل شده است: «در سرمای اینجا بعضی وقت‌ها لباس شستن برایمان خیلی سخت بود. برق که آمد ماشین لباسشویی خریدیم و حالا خیلی راحت شده‌ایم.» زنان در فصل پاییز بیشتر از سایر فصول به امور مربوط به پوشاک اعضای خانواده رسیدگی می‌کنند زیرا در این فصل به تهیه لباس‌های زمستانی از پشم گوسفندان مشغول می‌شوند.

رسیدگی به کودکان: زنان برای مراقبت از کودکان حدود ۱۴/۴ دقیقه (۱/۱ درصد) در شبانه‌روز وقت صرف می‌کنند. مشاهدات نشان می‌دهد رسیدگی به کودکان، به خصوص در مورد زنانی که کودک شیرخوار دارند، غالباً همزمان با فعالیت‌های دیگری از قبیل کار در مزرعه، تماشای تلویزیون، شرکت در مراسم مذهبی، برقراری مناسبات اجتماعی و تهیه خوراک صورت می‌گیرد. برای نمونه، زنانی که نوزاد شیرخوار دارند معمولاً او را به پشت خود می‌بندند و همراه خود به مزرعه می‌برند و در حال انجام کار یا موقع استراحت از او مراقبت می‌کنند. البته رسیدگی به امور کودک فرزند خود رها می‌کنند.

تماشای تلویزیون: از میان همه فعالیت‌های اوقات فراغت، زنان بیشترین وقت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند (به طور میانگین نزدیک به یک ساعت در شبانه‌روز). این رقم در فصل تابستان اندکی کاهش و در فصل زمستان افزایش می‌یابد. مشاهدات نشان می‌دهد که زنان این روستا از این وسیله ارتباطی، که حدود ۸ سال است امکان استفاده از آن را پیدا کرده‌اند و شاید تنها روزنه برای دیدن دنیای خارج از روستا باشد، استقبال زیادی می‌کنند. آنها غالباً موقع صرف شام، در دوره‌م‌نشینی‌های خانوادگی، هنگام استراحت یا حتی در حین انجام برخی فعالیت‌های مولد مانند دوختن و بافتن لباس و کارهایی مثل پاک کردن عدس و لوبیا برای فروش، همزمان تلویزیون تماشا می‌کنند.

خواندن نماز: فعالیت دیگری که تقریباً بدون استثنا در زندگی همه زنان و دختران مورد مطالعه در دونا مشاهده می‌شود نماز خواندن است که به طور متوسط ۵۶ دقیقه (نزدیک به ۴ درصد) از اوقات شبانه‌روز آنها را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مردم دونا می‌توان گفت اصولاً گرایش مذهبی در میان این مردم نمادهای عینی کاملاً مشهود دارد به طوری که ترک نماز حداقل به صورت علنی مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل وقت صرف‌شده برای نماز خواندن (حتی وقتی فرد مورد مطالعه از انجام آن معذور بوده است) در حکم نمادی از گرایش به دین در پرسش‌نامه ثبت شده است.

مناسک دینی: به طور متوسط نزدیک به ۵۱ دقیقه (۳/۵ درصد) از اوقات شبانه‌روز زنان در کل سال به مناسک دینی اختصاص می‌یابد. این مناسک بیشتر در ماه‌های محرم و رمضان و در روزهای مخصوصی از ماه صفر به صورت عزاداری، سخنرانی، نماز جماعت، اطعام و تعزیه برگزار می‌شود.

مناسبات اجتماعی: در کل سال به طور متوسط حدود ۴۴ دقیقه (۳/۱ درصد) از اوقات شبانه‌روز زنان به برقراری مناسبات اجتماعی می‌گذرد. این مناسبات شامل رفت و آمد در قالب میهمانی‌های داخل روستا، شرکت در مراسم جشن و مجالس ترحیم اهالی، رفتن به قبرستان به صورت گروهی، عیادت از بیماران و مانند اینهاست. مشاهدات کیفی براساس روش مشاهده مشارکتی نشان می‌دهد که مناسبات اجتماعی زنان، علاوه بر میزان یادشده، به صورت همپوشانی با سایر فعالیت‌های دسته‌جمعی نیز وجود دارد. برای نمونه، انجام بسیاری از فعالیت‌های موکد همراه با برقراری مناسبات اجتماعی صورت می‌گیرد. نمونه این‌گونه فعالیت‌های همزمان به فراوانی در مزرعه و باغ مشاهده می‌شود.

مطالعه: به طور متوسط در کل سال ۷/۲ دقیقه (۰/۵ درصد) از وقت زنان در شبانه‌روز به مطالعه می‌گذرد. میزان مطالعه زنان در فصول گوناگون بسیار متفاوت

است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فصل تابستان هیچ وقتی به مطالعه اختصاص داده نشده است، در حالی که در فصل زمستان ۱۵/۸ دقیقه در شبانه‌روز صرف این فعالیت شده است که برابر با ۱/۱ درصد اوقات بیداری افراد مورد مطالعه است. این رقم در فصل پاییز به ۱۲/۹ دقیقه، یعنی ۰/۹ درصد از اوقات زندگی آنها می‌رسد. در فصل بهار میزان وقت اختصاص یافته به مطالعه بسیار اندک و برابر ۱/۴ دقیقه در روز و ۰/۱ درصد از اوقات بیداری افراد است.

مسافرت و سایر تفریحات: در بین فعالیت‌های اوقات فراغت، مسافرت و تفریح به طور متوسط در طول سال کمتر از ۶ دقیقه (۰/۴ درصد) از شبانه‌روز زنان را اشغال می‌کند. در یک بحث گروهی، پرسشی برای یافتن دلیل قلت تعداد سفرهای آنها مطرح شد. یافته‌های این بحث بیانگر این حقیقت است که زنان مایل به سفر کردن هستند اما نمی‌توانند مسئولیت خانه و مزرعه را با خیال راحت به مردان بسپارند. از طرف دیگر، مردان مایل نیستند زنان تنها به سفر بروند. امکان سفر خانوادگی هم در پایان فصل زراعی وجود دارد که در تحصیل فرزندان خانواده اختلال ایجاد می‌کند.

غذا خوردن: داده‌های مربوط به فعالیت‌های شخصی در زمینه غذا خوردن نشان می‌دهد افراد مورد مطالعه در کل سال به طور متوسط ۹۸ دقیقه (۷ درصد) از اوقات شبانه‌روز را به غذا خوردن اختصاص می‌دهند. ثبت ۸۰ دقیقه زمان صرف‌شده برای خوردن چای عصرانه احتیاج به بررسی بیشتر داشت که با حضور در یکی از محافل چای عصرانه و مشاهده نزدیک، علت طولانی بودن آن مشخص شد. افراد در محفل چای عصرانه به برقراری انواع مناسبات اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند و احتمالاً وقتی که کنار سفره صبحانه، ناهار و شام صرف می‌شود نیز فرصتی برای تبادل اطلاعات، اعمال مدیریت، برقراری مناسبات و کنترل اجتماعی اعضای خانواده است. شاید بتوان گفت در روستاها بیش از شهرها از این فرصت‌ها استفاده می‌شود.

نظافت و درمان: شواهد کمی نشان می‌دهد که ۱۱/۵ دقیقه (۰/۸ درصد) از اوقات

شبانه‌روز زنان صرف نظافت شخصی می‌شود. این مقدار در مقایسه با سایر فعالیت‌ها بسیار کم به نظر می‌رسد. در حالی که از مشاهده وضع ظاهری زنان، خانه‌ها، وسایل زندگی و مقدار صرف وقت آنها برای شست‌وشوی لباس و تمیز کردن خانه چنین برداشت می‌شود که از لحاظ فرهنگی گرایش مثبتی به نظافت و تمیزی دارند، در ۵۲۰ پرسش‌نامه صرف وقت، تنها ۱۲ مورد حمام رفتن و ۴۱ مورد مسواک زدن به عنوان نظافت شخصی ثبت شده است. مشاهدات مستقیم نشان می‌دهد حمام رفتن برای زن‌ها در هاله‌ای از شرم قرار دارد. به همین دلیل می‌توان گفت اطلاعات کمی در این مورد با تورش^۱ همراه است.

خوابیدن: به طور میانگین در کل سال حدود ۷ ساعت و ۴۶ دقیقه (۳۲/۴ درصد) در شبانه‌روز به خوابیدن اختصاص دارد. این میزان در فصول گوناگون متفاوت است. زنان مورد بررسی در تابستان کمتر از فصول دیگر می‌خوابند، یعنی ۷ ساعت و ۴ دقیقه در روز و به میزان ۲۹/۵ درصد اوقات؛ در حالی که این رقم در فصل زمستان بیش از سایر فصول و برابر ۵۶۲/۸ دقیقه در روز و به میزان ۳۹/۱ درصد اوقات زندگی آنهاست.

نتیجه‌گیری

بررسی الگوی صرف وقت زنان روستایی و به طور کلی زنان هر جامعه می‌تواند بیانگر سطح توسعه و سهم جمعیت زنان در توسعه و میزان بهره‌مندی آنها از مواهب توسعه باشد. به عبارت دیگر، از میزان تخصیص وقت زنان به فعالیت‌هایی که مولد محسوب می‌شود می‌توان به سهم زنان در توسعه پی برد. همچنین با بررسی الگوی صرف وقت در زمینه فعالیت‌هایی که به ارتقای سطح سلامت، دانش و مهارت افراد کمک می‌کند سطح توسعه‌یافتگی جامعه مورد مطالعه معین می‌شود. از طرف دیگر، میزان بهره‌آفراد

1. Bias

از قابلیت‌های فوق برای اوقات فراغت، دنبال کردن اهداف سازنده، فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، راهنمای خوبی برای پی بردن به میزان بهره‌مندی آنها از مواهب توسعه خواهد بود.

اختصاص بیش از دوسوم اوقات بیداری زنان روستایی به کارهای موکد بیانگر حضور قابل توجه آنها در صحنه فعالیت‌های اقتصادی در روستاست. زنان روستای دونا، از حدود ۱۵ سالگی تا دوره کهنسالی، در باغ و مزرعه و طویله کار می‌کنند؛ در همان حال کارهای خانه را نیز انجام می‌دهند؛ و با تهیه لبنیات، پخت نان و کشت محصولات معیشتی، خوراک خانواده خود را تهیه می‌کنند. از همین رو می‌توان قضاوت کرد که آنها سهم مهمی در توسعه روستای خود دارند.

در مقابل، این حقیقت که زنان روستایی وقت اندکی صرف آموزش، مطالعه، مسافرت یا تفریح می‌کنند نشان از میزان اندک بهره‌مندی روستای آنها از مواهب توسعه دارد. اطلاعات مربوط به اوقات فراغت این زنان نشان می‌دهد امکاناتی که آنها برای کسب دانش و مهارت بیشتر در اختیار دارند محدود به تلویزیون می‌شود. آنها تقریباً برای مسافرت وقت صرف نمی‌کنند و به گفته خودشان، تفریحی جز مناسبات اجتماعی روزمره ندارند.

بررسی الگوی صرف وقت زنان مورد مطالعه نشان داد که آنها وقت بسیار کمی را به نظافت و درمان اختصاص می‌دهند. مشاهده مستقیم زندگی آنها بیانگر کمبود امکانات، وقت و، بیش از همه، دانش کافی برای توجه به سلامت خود است. بنابراین می‌توان گفت از منظر توسعه، زنان روستایی نقش باارزشی در توسعه ایفا می‌کنند در حالی که از مواهب آن به اندازه کافی برخوردار نیستند.

منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
- جزایری، ادريس (۱۳۷۶)، نقش زنان روستایی در توسعه، ترجمه ناهید ساریخانی، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- دنزین، نورمن کی. و یونا اس. لینکلن (۱۳۸۰)، «روش‌شناسی مطالعات زنان: بحث گروهی»، ترجمه ارغوان فرزین، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۱، ص ۲۲۳-۱۹۹.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۵)، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۸، ص ۸۹-۸۱.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: نشر قطره.
- قرآن کریم (۱۳۷۱)، ترجمه و توضیح از سیدجلال‌الدین مجتوی، تهران: حکمت.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- بین، رابرت کی. (۱۳۷۸)، طرح تحقیق و روش‌های موردپژوهی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان تهران.
- Armstrong, E. (2001), "Contingency Plans for the Feminist Revolution", *Science and Society*, New York. (www.xanedu.com)
- Gardiner, J. (1998), "Beyond Human Capital: Households in the Macroeconomics", *New Political Economy*, Abingdon: July. (www.xanedu.com)
- Joyce, M. and J. Stewart (1999), "What Can We Learn from Time-use Data", *Monthly Labor Review Online* 122(8): 28-34.